

اعمال نیک در دیدگاه کودکان پیش دبستانی؛ مطالعه پدیدار شناختی

sh.nemati@tabrizu.ac.ir

a.imanzadeh@malayeru.ac.ir

شهر روز نعمتی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه تبریز

علی ایمان زاده / استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تبریز

دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۰۱

چکیده

کودکان، در فرایند رشد، در کانون خانواده و از طریق نهادهای اجتماعی و آموزشی، با ارزش‌های حاکم بر جامعه و خانواده آشنا شده، و در حد امکان به آنها عمل می‌کنند. برای دستیابی به دیدگاه کودکان در ارتباط با اعمال نیک، از روش کیفی و نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شد. در این راستا، بیست و پنج نفر از کودکان پیش دبستانی شهرستان ملایر، به صورت تصادفی انتخاب و سؤالات نیمه ساختاریافته، در مورد کارهای نیک از دیدگاه کودکان، رسیدن به مرحله اشباع مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل یافته‌ها از طریق کدهای باز و مشخص شدن گزاره‌ها اصلی و فرعی، نشان داد که در این گروه، به ترتیب، یاری رساندن، اطاعت از والدین و پرهیز از اذیت دیگران، جزء رفتارهای خوبی محسوب می‌شوند که کودکان گزارش می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که حمایت از هم‌نوع و پرهیز از خشونت و ویژگی‌های الگوپذیر، در فرایند رشد کودکان از اهمیت خاصی برخوردار است و در نظام‌های آموزشی و فرهنگی جامعه ایرانی، به آن بیشتر توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: اعمال نیک، کودکان پیش دبستانی، ایران.

مقدمه

قرن‌های متممادی است که مباحث بسیاری در ارتباط با داشتن جامعه اخلاقی و وجود رفتارهای جامعه‌پسندانه، در متون مربوط به ادیان و نیر فلسفه مشاهده می‌شود. علی‌رغم این پیشینه قوی، تنها از نیم قرن گذشته تا کنون، روان‌شناسان شروع به مطالعه تجربی در ارتباط با رفتار اخلاقی و قضاوت نموده‌اند (توماسلو و وایش) (Tomaseello & Vaish، ۲۰۱۳).

تعاریف مختلفی در ارتباط با اخلاق و رفتارهای جامعه‌پسندانه، به‌واسطه دیدگاه‌های گوناگون فرهنگی ارائه شده است که علی‌رغم تعاریف مختلف، در ویژگی‌هایی مثل خیرخواهی و سودمندی، مشترک هستند. رفتارهای جامعه‌پسندانه کودکان، شامل دامنه متنوعی از رفتارها، از قبیل سهیم کردن دوستان در وسایل بازی، فعالیت‌های ارزشمندی مانند کمک کردن به فرد آسیب دیده یا از کارافتاده، و حتی برخی اقدامات فریبنده مانند دروغ گفتن، برای محافظت از جریحه‌دار شدن احساسات دیگران است. مجموعه این رفتارها، با هر نوع انگیزه و هدفی، برای همه سودمند هستند (هاموند (Hammond) و همکاران، ۲۰۱۵).

اگرچه، دانش کمی دربارهٔ ایجاد رفتارهای جامعه‌پسندانه، به دلیل تمرکز کمتر پژوهش‌های قبلی بر روی کودکان و این اعتقاد، که آنها قادر به ادراک و تشخیص این‌گونه رفتارها نیستند، وجود دارد (های (Hay)، ۱۹۹۴)؛ اما در فرایند رشد، نمونه‌های بسیاری از رفتارهای کودکان، در ارتباط با مسائل اخلاقی و ادراک آنها دیده می‌شود. کودکان در دو سالگی، برای ارزیابی رفتار به صورت «خوب» یا «بد»، از کلمات استفاده می‌کنند و به رفتارهایی که پرخاشگرانه یا آسیب‌زا هستند، با ناراحتی واکنش نشان می‌دهند. در این راستا، در سراسر جهان، بزرگسالان به این توانایی کودکان برای تشخیص درست از غلط، توجه نشان می‌دهند (برک (Berk)، ۲۰۰۷).

به دلیل اهمیت رفتارهای جامعه‌پسندانه، شکل‌دهی این‌گونه رفتارها، یکی از تکالیف اصلی و مهم دوران کودکی در طول فرایند رشد است. این رفتارها در کودکان، توسط والدین و معلمان حمایت و راهنمایی می‌شوند و در تعامل با همسالان مورد ممارست قرار می‌گیرند (اسپیواک و هوئیز (Spivak & Howes)، ۲۰۱۱). رویکردهای معاصر برای آموزش ویژگی‌های اخلاقی و رفتارهای جامعه‌پسندانه، بیشتر از نظریه و روش‌های پیازه (Piaget) و دورکیم (Durkheim) الهام می‌گیرند. در رویکرد معاصر، که غالباً به آموزش اخلاق معروف است، به شرکت‌کنندگان تأکید می‌شود که در کنار آموزش رفتارهای اخلاقی، در بحث‌های مرتبط به آموزش اخلاق، فعالانه مشارکت کنند. در این الگو، از روش‌های ایفای نقش، تعامل مشارکتی همسالان، و کلاس‌های دموکراتیکی، و فرهنگ مدرسه‌ای استفاده می‌کنند. این رویکردها بیشتر بر رشد شناختی تأکید دارند (نوسی (Nucci) و همکاران، ۲۰۱۴).

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های بسیاری درباره رفتارهای جامعه‌پسندانه و چگونگی ایجاد و رشد آنها، در کودکان پیش‌دبستانی انجام شده است. علی‌رغم این پژوهش‌ها، آگاهی اندکی درباره تغییرات مرتبط با سن کودکان و رشد گرایش‌های رفتارهای جامعه‌پسندانه وجود دارد. در غالب موارد، نظریه‌های رشدی رفتار جامعه‌پسندانه، ارتباط متغیرهای روان‌شناختی مثل رابطه همدلی با رفتارهای جامعه‌پسندانه، یا رابطه رشد شناختی و رشد اجتماعی، با ظهور این رفتارها را مورد بررسی قرار می‌دهند (ایسینبرگ (Eisenberg) و همکاران، ۱۹۹۸).

دیدگاه بوم‌شناختی برونفن‌برنر (Bronfenbrenner) (۱۹۷۷، ۱۹۸۶)، بر مطالعه رفتار افراد در بافت زندگی و نیز تعاملاتی که افراد با محیط خود دارند، تأکید می‌کند. در این دیدگاه، رشد افراد و نوع تجارب اکتسابی آنان در فرایند رشد، متأثر از تعامل بین سیستم‌ها است که این شرایط، در فرهنگ‌های گوناگون با توجه به آداب و رسوم خاص متفاوت است.

علی‌رغم توجه به مسائل اخلاقی و ضرورت آموزش آن به کودکان، در هر جامعه‌ای از سوی بزرگسالان، مسائل فرهنگی و آموزه‌های دینی هر جامعه‌ای، الزام‌هایی را دنبال می‌کند که موجب واکاوی رفتارهای جامعه‌پسندانه در متن هر فرهنگی می‌شود. برای آگاهی از شرایط فرهنگی موجود، در ارتباط با رفتارهای جامعه‌پسندانه، پژوهش پدیدارشناختی، یکی از روش‌های مناسبی است که می‌تواند به درک و استنباط فردی افراد، از یک رفتار یا موقعیت کمک می‌کند. در این زمینه، پژوهشگران حاضر علاقمند بودند درک و تفسیر کودکان پیش‌دبستانی را به صورت پدیدارشناختی از اعمال نیک، آن‌گونه که در تجربیات زیستی و در روان‌بنه‌های آنان، در فرهنگ ایران زمین شکل گرفته است، استخراج کنند. یافته‌های این پژوهش، دیدگاه‌های مختلف مربوط به رشد رفتارهای جامعه‌پسندانه (ترامسدورف (Trommsdorff) و همکاران، ۲۰۰۷؛ فلوک (Flook) و همکاران، ۲۰۱۵)، نوع آنها و نیز ادراک کودکان از این‌گونه رفتارها را در فرهنگ غرب، با جامعه ایران - اسلامی مورد واکاوی خواهد کرد.

روش پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از داده‌هایی که از طریق مصاحبه با کودکان پیش‌دبستانی به دست آمده بود، به تبیین کیفی نتایج حاصل از مصاحبه پرداخته شد و رفتارهای خوب از دیدگاه این گروه کودکان، در فرهنگ ایران مورد بررسی قرار گرفت. برای نیل به این هدف، از روش کیفی تئوری وابسته به زمینه، یا نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شد. نظریه برخاسته از داده‌ها، شیوه پژوهشی است که به وسیله آن، با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها، یک نظریه تکوین می‌یابد (جانسون و کریستنسن، ۲۰۱۲).

جامعه آماری این پژوهش، از بین کودکان پیش‌دبستانی انتخاب شدند که در مراکز پیش‌دبستانی، زیر نظر اداره آموزش و پرورش شهرستان ملایر ثبت‌نام کرده بودند. ملاک‌های اصلی برای انتخاب نمونه، داشتن سن دوره پیش‌دبستانی و داوطلب بودن آنان، برای شرکت در پژوهش بود. روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی بود که

فرایند مصاحبه برای رسیدن به مرحله اشباع ادامه پیدا کرد. برای اطلاع از اشباع داده‌های پژوهش، ۳ نفر آخری، همان مطالب قبلی را تکرار می‌کردند که مصاحبه با کودکان، در ارتباط با اعمال نیک خاتمه پیدا کرد. مصاحبه‌شوندگان با دامنه سنی بین ۵ تا ۶ سال بودند. تحصیلات والدین آنان از سیکل تا دکتری، ۱۵ نفر دارای دو فرزند، ۶ نفر بیش از سه فرزند و ۴ نفر دارای یک فرزند بودند.

در روش اجرای پژوهش، به والدین همه افراد شرکت‌کننده هدف پژوهش، به اختصار توضیح داده شد و بی‌نام و نشان ماندن آنان، در تمام منابع و مقالاتی که از این پژوهش استخراج می‌شود، تضمین گردید. در ضمن، به هریک از والدین افراد شرکت‌کننده توضیح داده شد که شرکت در این پژوهش، پیامد ناگوار روانی و عاطفی برای آنان و فرزندان آنها نخواهد داشت. افزون بر این، شرکت‌کنندگان آزاد بودند هر گاه خواستند، از ادامه همکاری صرف‌نظر نمایند.

برای جمع‌آوری اطلاعات و دستیابی به تجارب کودکان پیش‌دبستانی ایرانی، در مورد کارهای خوب یا نیک، سؤال نیمه ساختاریافته‌ای به این صورت ارائه شد: چه کارهایی را انجام می‌دهید که خوب هستند؟

مصاحبه نیمه‌ساختاری با شرکت‌کنندگان به عمل آمد و نکات مبهم مصاحبه‌ها، با واکاوی‌ها و سؤالات پیگیرانه مصاحبه‌گر روشن گردید به گونه‌ای که صراحت منظور آنان مشخص گردید. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه داده شد که اشباع گزاره‌های در مصاحبه‌ها و نتایج آن حاصل گردد. بدین ترتیب، شرکت‌کنندگان جدید ایده تازه‌ای را مطرح نمی‌کردند و ایده‌های افراد قبلی را تکرار می‌کردند. پس از مصاحبه با فرد بیست و دوم، مشخص شد که سه نفر آخر، همان مطالب قبلی را تکرار کردند، لذا مصاحبه‌گر بعد از نفر بیست و پنجم، مصاحبه را متوقف نمود.

روش تحلیل داده‌ها

در تنظیم مصاحبه‌ها، پس از بررسی اشباع گزاره‌ها، موارد زیر مورد نظر پژوهشگران بوده است. کدگذاری باز: در کدگذاری باز، از طریق جزء جزء کردن اطلاعات، مقوله‌ها یا طبقه‌های اصلی و فرعی به دست آمد. در این زمینه، بر اساس داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاری و یادداشت‌های پژوهشگر، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی مشخص شدند. در این مرحله، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق بالینی با کودکان پیش‌دبستانی، تجارب دست اول آنان استخراج و ضبط شد. نقطه مشترک گزاره‌های استخراج شده که مشخص‌کننده «تم» و موضوع مشخصی است. مجموعه‌ای از گزاره‌های مشخص شده، در تحت عنوان موضوعات اصلی و فرعی در جدول گنجانده شده‌اند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، که با بیست و پنج نفر از کودکان پیش‌دبستانی انجام شده است، شامل گزاره‌های مختلف و بیانات متفاوتی است که حاصل آنها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های حاصل از مصاحبه*

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	شماره کتندگان	ویژگی‌ها	شماره کتندگان
یاری‌رسانی	کمک به نزدیکان	۱،۳،۹،۱۲،۱۳،۱۴	سفره جمع کردن	۱،۹،۱۳
	کمک به دیگران	۷،۸،۱۲،۱۷	آب و قرص آوردن برای پدر بزرگ و مادر بزرگ	۲،۱۲،۱۴
	حمایت از حیوانات	۶،۱۶،۲۵	مداد و پاکن دادن به دوستان	۸،۱۲
پیروی از والدین	تبعیت	۳،۴،۱۵،۱۹،۲۱،۲۳،۲۴	غذا دادن به دوستان گرسنه	۷،۱۷
	دعوا نکردن	۵،۶،۷،۱۱،۱۲	غذا دادن به حیوانات	۶،۱۶،۲۵
پرهیز از خشونت			گوش دادن به حرف پدر و مادر	۳،۴،۱۵،۱۹،۲۱،۲۳،۲۴
			حرف بد زدن، فحش ندادن، کک زدن	۵،۱۱،۲۲
				۷،۶

* شماره‌های ذکر شده به هر یک از مقوله‌ها، مربوط به شماره‌های اختصاص یافته و به هر یک از افراد مصاحبه‌شده است.

برای مثال، ۱ یعنی فرد شماره ۱، یا ۵ یعنی فرد شماره ۵.

در ارتباط با سؤال نیمه ساختاریافته، که «به نظر شما چه کارهایی خوب هستند؟»، پاسخ‌های کودکان پیش دبستانی را می‌توان به سه طبقه اصلی تقسیم کرد: الف. یاری‌رسانی؛ ب. پیروی از والدین؛ ج. پرهیز از خشونت.

بررسی تحلیلی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، نشان داد که پاسخ‌های کودکان در مورد اعمال نیک، از یاری‌رسانی تا پرهیز از خشونت در نوسان بوده است. برای مقوله یاری‌رسانی پاسخ کودکان، در حدود ۵۲ درصد، پیروی از والدین ۲۸ درصد، و پرهیز از خشونت ۲۰ درصد، برآورد شده است. اعمال نیک، که در سایر فرهنگ‌ها در غالب موارد، از آنها به‌عنوان «رفتارهای جامعه‌پسندانه» نام برده می‌شود، در بین کودکان ایرانی شامل مواردی مثل کمک به والدین، یا مادر بزرگ یا پدر بزرگ، دوستان یا همکلاسان، حمایت از حیوانات و گوش دادن و اطاعت از بزرگسالان و پرهیز از رفتارهای آسیب‌زا بود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با هدف بررسی اعمال نیک در فرهنگ ایران زمین، که در متون غربی بیشتر به‌عنوان «رفتارهای جامعه‌پسندانه» معروف است، انجام گرفته است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که بروز و انجام اعمال نیک در کودکان فرهنگ ایران زمین، نیز مثل سایر فرهنگ‌ها، در فرایند رشد و در سنین اولیه بروز می‌کند. در فرایند رشد و در سنین اولیه، کودکان دامنه‌ای از رفتارهای جامعه‌پسندانه، از قبیل کمک کردن، مشارکت کردن، و سهیم شدن را از خود نشان می‌دهند که در ادامه و با بزرگتر شدن آنان، این رفتارها بیشتر جنبه فلسفی و اجتماعی بودن به خود می‌گیرد. اگرچه، این رفتارها به‌عنوان سازه‌ای واحد در کودکان طبقه‌بندی نمی‌شوند، بلکه بیشتر به صورت چندبعدی مورد بررسی قرار می‌گیرند (دروموند (Drummond) و همکاران، ۲۰۱۵).

یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد در مقایسه با فرهنگ غرب، رفتارهای جامعه‌پسندانه نیز در بین کودکان ایرانی نیز گزارش می‌شود. این رفتار یا اعمال نیک در ایران، به ترتیب اولویت تحت عنوان یاری‌رسانی، پیروی از والدین و پرهیز از خشونت گزارش شده است. این یافته، با پژوهش‌های پینر (Penner) و همکاران (۲۰۰۵)، هاموند

و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد، گرایش به انجام کارهای نیک و تلاش از بدی، در کنار آموزش و انتظارات فرهنگی و اجتماعی، امری فطری در وجود آدمی است که این اعمال نیک، در بافت‌های اجتماعی مختلف و در غالب فرهنگ‌ها دیده می‌شود.

تحلیل حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که در فرهنگ ایرانی، کودکان پیش‌دبستانی، رفتارهایی مثل کمک به نزدیکان، شامل سفره جمع کردن، داروهای پدر بزرگ یا مادر بزرگ را آوردن و یا در مدرسه، دادن مواد خوراکی به دوستان گرسنه و یا بخشیدن مداد اضافی خود به دوستان، از خود نشان می‌دادند. این‌گونه رفتارها جزء مقوله اصلی یاری‌رسانی طبقه‌بندی شدند. برای نمونه، بیانات کودکان در این مقوله، شامل موارد «من در جمع کردن سفره، بعد از خوردن غذا به پدر و مادر خود کمک می‌کنم»، یا «برای پدر یا مادربزرگ خود آب می‌آورم تا قرص‌های خود را بخورند»، یا «من به گربه‌های گرسنه کوچ‌خود غذا می‌دهم» بودند. دومین مقوله اصلی در ارتباط با اعمال نیک، که کودکان پیش‌دبستانی گزارش کرده‌اند، پیروی از دستورات یا توصیه‌های والدین است. در این زمینه، کودکی در فرایند مصاحبه به این نکته اشاره کرد که «هر چیزی که پدر و مادر از من می‌خواهند، به حرف آنها گوش داده و عمل می‌کنم و این کار خوبی است که انجام می‌دهم»، سومین و آخرین مقوله اصلی در ارتباط با اعمال نیک، که کودکان پیش‌دبستانی بیان کرده‌اند، پرهیز از خشونت بود. برای مثال، «دعوا نکردن با خواهر یا دوستان و آسیب نزدن به آنها کار خوبی است که من انجام می‌دهم»، یا دیگری بیان داشت که «من از آزار و اذیت کردن حیوانات و همسایه‌ها و حرف بد زدن دوری می‌کنم و این کار خوبی است که من انجام می‌دهم».

رفتارهای مورد نظر از لحاظ روان‌شناختی، با فرایندی رشدی مربوط به سن کودکان نیز هماهنگ است. در فرایند رشد، کودکان متناسب با سطوح شناختی خود رفتارهای اخلاقی را از خود نشان می‌دهند. یافته‌های این پژوهش، با مراحل تحول رشد اخلاقی پیاژه و نیز مرحله پیش‌قراردادی کلبیگ، که در آن رفتارهای کودکان بیشتر بر اطاعت از والدین و پرهیز از تنبیه استوار است (کلبیگ (Kohlberg)، ۱۹۸۴)، همسو و همخوان می‌باشد.

در زمینه مسائل فرهنگی و مسائل مربوط به رفتارهای جامعه‌پسندانه، هی و کوک (Hay & Cook) (۲۰۰۷)، رفتارهای جامعه‌پسندانه را در سه حوزه احساس برای دیگران، پرستاری از دیگران و کار و بازی با دیگران طبقه‌بندی می‌کنند. یافته‌های این پژوهش، به‌ویژه مقوله یاری‌رسانی و پرستاری از پدر بزرگ یا مادر بزرگ، با این طبقه‌بندی غیرفرهنگ ایرانی همخوان می‌باشد. توصیه‌های بسیاری به اعمال نیک، که از لحاظ اجتماعی نیز جامعه‌پسندانه هستند، در فرهنگ ایران اسلامی، در تبیین و بروز این رفتارها در کودکان می‌تواند مؤثر باشد. برای نمونه، در قرآن کریم (مثل ادیان ابراهیمی)، انگیزش‌هایی برای انجام افعال اخلاقی و دوری از رفتارهای ضداخلاقی ملاحظه می‌شود. نظر اسلام در ارتباط با مسئله اعمال نیک و نیکی به مردم، همواره

قابل ملاحظه و مورد تأکید است، طوری که مراجعه به منابع دینی نشان می‌دهد که در آیات قرآن و روایات وارد از سوی پیشوایان دین، به این موضوع بسیار سفارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵، ص ۳۶۹). قرآن کریم در مورد جایگاه نیکی نزد خداوند می‌فرماید: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره: ۱۵۹)؛ و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد. همچنین، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ» (اسرا: ۶)؛ اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ یعنی نیکی و احسانی که انسان به برادران دینی و هم‌نوعان خود می‌کند.

در تبیین مقوله یاری‌رسانی، به عنوان مقوله اصلی و نیکی به اعضای خانواده، به نظر می‌رسد نقش عامل فرهنگی، بیش از هر زمینه دیگری برجسته‌تر باشد. برای نمونه، در آیات قرآن، به انسان‌ها سفارش شده است که نسبت به پدر و مادر احترام و احسان کنند «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (عنکبوت: ۸). این شرایط در سایر آیات قرآنی مثل، سوره بقره آیه ۸۳؛ سوره نساء آیه ۳۶؛ سوره انعام آیه ۱۵۱؛ سوره اسراء آیه ۲۳؛ سوره نعام آیه ۱۳، ۱۴، نیز مشاهده می‌شود. از این آیات، معلوم می‌شود که واجب‌ترین واجب‌ها، احسان به پدر و مادر است. البته آثار این تأکیدات، در بیانات کودکان ایرانی مصاحبه‌شونده دیده می‌شود.

کانون خانواده، آموزش‌ها و ارزش‌هایی که آنها برای فرزندان خود در نظر می‌گیرند، یکی دیگر از عامل‌هایی است که در تبیین رفتارهای جامعه‌پسندانه، نقش مهمی را ایفا می‌کند. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که علی‌رغم تنوع رفتارهای جامعه‌پسندانه در جوامع گوناگون، نوع سبک‌های فرزندپروری و نوع نگاه خانواده‌ها به ارزش‌ها، بروز رفتارهای جامعه‌پسندانه را تعیین می‌کند (کارلسون و کورکوران (Carlson & Corcoran)، ۲۰۰۱؛ ترومسدورف و همکاران، ۲۰۰۷).

به‌طور کلی، می‌توان گفت: گرچه رفتارهای جامعه‌پسندانه، دامنه‌ای از رفتارهایی هستند که علی‌رغم متنوع بودن برای جامعه مفید هستند، با این حال تفاوت‌های فرهنگی، به همراه تجارب و ارزش‌های خانوادگی، در بروز نوع این رفتارها مؤثر هستند که باید این رفتارها، در بافت هر جامعه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. اگرچه پژوهش‌هایی در ارتباط با رفتارهای جامعه‌پسندانه در فرهنگ‌های غربی بیشتر وجود دارد، اما بررسی متون و روایات موجود در فرهنگ اسلامی، نشان می‌دهد که این یافته‌ها و توصیه‌های جامعه‌پسندانه، در غالب موارد مورد تأیید و تأکید فرهنگ اسلامی، به‌ویژه رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ هم می‌باشد. این امر نیازمند مطالعه بیشتر و معرفی این‌گونه رفتارها، بر اساس الگوهای رفتاری اسلامی است. در تبیین رفتارهای گزارش شده در بافت فرهنگ ایرانی - اسلامی، می‌توان تنها بر اساس یک نمونه از یافته‌های این پژوهش، در مقوله یاری‌رسانی به مواردی اشاره کرد که ضرورت توجه به الگوهای اسلامی، در آموزش به کودکان را بیش از هر زمانی دیگر مورد توجه قرار داد. در این پژوهش، الگوهای رفتاری گزارش شده از سوی کودکان، از جمله یاری‌رسانی به اعضای نزدیک خانواده، از جمله با

والدین بارها از سوی رسول اکرم ﷺ و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} مورد سفارش واقع شده است. درحالی که خود خداوند در قرآن کریم و در سوره نساء، آیه ۳۶ و در آیاتی مشابه، تحت عنوان «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» دستور احسان و نیکی به پدر و مادر را برای همه افراد سفارش نموده است. مشاهده آیات متعدد در این مورد و نیز تأکید خداوند سبحان و گزارش این الگوی رفتاری، از سوی کودکان پیش‌دبستانی، نشان از این واقعیت دارد که غنی بودن محتوای اسلامی و تأکید شدن آن، از سوی فرهنگ اسلامی در قرآن کریم از سوی خداوند رحمان، بروز این‌گونه رفتار در کودکان را، که ارزشمند نیز هست، تسهیل می‌کند. دیگر یافته‌های این پژوهش نیز مثل پرهیز از خشونت، که کودکان پیش‌دبستانی ایرانی به آن اشاره کرده‌اند، بیانگر توجه و اهمیت مهربانی است که بارزترین الگوی اسلامی آن، خداوند مهربان است که همواره در قرآن کریم، خود را در دیدگاه بندگان خود، به‌عنوان رؤف و مهربان معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۱۴۳). به‌طور کلی، می‌توان گفت: اگرچه شواهد پژوهشی نشان از غنی بودن تعداد پژوهش‌ها و اهمیت آن در ارتباط با رفتارهای جامعه‌پسندانه، در بین کودکان در فرهنگ غیراسلامی دارد؛ اما این امر، به‌معنای ارجع بودن غنای فرهنگی آنها، در مقایسه با فرهنگ اسلامی، در ارتباط با رفتارهای جامعه‌پسندانه نیست، بلکه تلاش ارزشمند آنها در معرفی و تلاش در آموزش این‌گونه رفتارها به کودکان است. به‌گونه‌ای که این شرایط، اگرچه بر اساس آموزه‌های فرهنگی و اسلامی در رفتارهای کودکان ایرانی مشاهده می‌شود، اما نیازمند پژوهش بیشتر و آموزش این‌گونه رفتارها به کودکان نیز هست.

- Berk, L, 2007, *Development through the lifespan*, Pearson Education India.
- Bronfenbrenner, U, 1977, Toward an experimental ecology of human development, *American Psychologist*, v. 32(7), p. 513.
- _____, 1986, Ecology of the family as a context for human development: Research perspectives, *Developmental Psychology*, v. 22(6), p. 723.
- Carlson, M. J, & Corcoran, M. E, 2001, Family structure and children's behavioral and cognitive outcomes, *Journal of Marriage and Family*, v. 63(3), p779–792.
- Drummond, J, et al, 2015, *Prosocial behavior during infancy and early childhood: developmental patterns and cultural variations*, International Encyclopedia of Social and Behavioral Sciences.
- Eisenberg, N, et al, 1998, *Prosocial development*, *Wiley Online Library*. Retrieved from <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/9780470147658.chpsy0311/full>
- Flook, L, et al, 2015, Promoting prosocial behavior and self-regulatory skills in preschool children through a mindfulness-based kindness curriculum, *Developmental Psychology*, v. 51(1), p. 44.
- Hammond, I. S, et al, 2015, Prosocial Behavior during Childhood and Cultural Variations, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, v. 19 (2), p. 228-232.
- Hay, D. F, 1994, Prosocial development, *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, v. 35(1), p. 29–71.
- Hay, D. F, & Cook, K. V, 2007, *The transformation of prosocial behavior from infancy to childhood*, Socioemotional Development in the Toddler Years: Transitions and Transformations, 100–131.
- Johnson, B, & Christensen, L, 2012, Educational research: Quantitative, qualitative and mixed methods, Allyn & Bacon. Retrieved from <http://psycnet.apa.org/psycinfo/1999-04454-000>.
- Kohlberg, L, 1984, The psychology of moral development: The nature and validity of moral stages (v. 2). Harpercollins College Div.
- Nucci, L. P, et al, 2014, *Handbook of moral and character education*, Routledge. Retrieved from http://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=GNSQAgAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=larry+p.nucci.darcia+narvaez&ots=buSEWd_JWf&sig=y_m_qHfeQYCRyoiDFnvPWPoL9qpk.
- Penner, L. A, et al, 2005, Prosocial behavior: Multilevel perspectives. *Annu. Rev. Psychol*, n. 56, p. 365–392.
- Spivak, A. L, & Howes, C, 2011, Social and relational factors in early education and prosocial actions of children of diverse ethnocultural communities, *Merrill-Palmer Quarterly*, v. 57(1), p. 1–24.
- Tomaseello, M, & Vaish, A, 2013, Origins of human cooperation and morality, *Annual Review of Psychology*, v. 64, p. 231–255.
- Trommsdorff, G, et al, 2007, Sympathy, distress, and prosocial behavior of preschool children in four cultures, *International Journal of Behavioral Development*, v. 31 (3), p. 284–293.